

مشروطه در دوره محمدعلی شاه

در این درس با مشکل‌های موجود بر سر راه اولین دوره مجلس شورای ملی، و کارشکنی‌های محمدعلی شاه در این مورد و همچنین، جریان‌های سیاسی - فکری حاکم بر مجلس و دولت آشنا می‌شوید.

محمدعلی شاه



محمد علی شاه قاجار

بعد از مظفرالدین شاه، ولیعهد او، محمدعلی میرزا، با عنوان محمدعلی شاه، به سلطنت رسید. محمدعلی شاه، یکی از شاهان خودکامه دوره قاجار بود که نمی‌خواست در برابر قانون اساسی و مجلس شورای ملی تمکین کند. او در ۲۸ دی ۱۲۸۵ جشن تاج‌گذاری بر پا کرد و از اشراف و نمایندگان دولت‌های خارجی برای شرکت در این مراسم دعوت به عمل آورد، اما نمایندگان مجلس شورای ملی را دعوت نکرد. این، اولین بی‌اعتنایی محمدعلی شاه به مجلس بود. او ملت را بنده و برده خود می‌پنداشت و نمایندگان مجلس را برای دخالت در امور کشور و مشورت در سیاست، لایق نمی‌دانست.^۱

پس از این ماجرا، کشمکش محمدعلی شاه با مجلس آغاز شد که سرانجام وی مجلس را به توپ بست. اما این، تنها مشکل نظام تازه تولد یافته مشروطه نبود. بلکه این نظام، دشواری‌هایی اساسی‌تر پیش رو داشت، که به شرح آنها می‌پردازیم:

۱. ملک‌زاده، همان، ج ۱-۳ در یک مجلد، کتاب دوم، ص ۴۱۲.

تدوین متمم قانون اساسی، و شدت گرفتن اختلاف‌ها

قانونی که در زمان مظفرالدین شاه به نام «قانون اساسی» تنظیم شد، دارای ضعف‌های زیادی بود. این قانون در پنجاه و یک اصل تنظیم شده بود و در حقیقت نظام‌نامه‌ای بود که اداره امور مجلس و حدود آن را روشن می‌ساخت. در این قانون، از حقوق و تکالیف دولت نسبت به ملت و بالعکس سخن به میان نیامده بود. بنابراین، لازم بود متممی بر آن نوشته و تکمیل می‌شد. به همین سبب، کمیسیونی متشکل از شش تن از نمایندگان، برای تدوین «متمم قانون اساسی» تشکیل شد.^۱

برگی از تاریخ

علامه نائینی (۱۲۳۹-۱۳۱۵ ش)



میرزا محمد حسین نائینی در یک خانواده مشهور و محترم در شهر نائین چشم به جهان گشود و پس از طی تحصیلات مقدماتی، در پانزده سالگی عازم اصفهان شد. پس از ده سال تحصیل در حوزه علمیه اصفهان، عازم عتبات عالیات شد و در سامرا از محضر میرزا محمدحسن شیرازی بزرگ کسب فیض کرد. دو سال پس از درگذشت میرزای شیرازی به کربلا رفت و بعد از دو سال اقامت در آن شهر، عازم نجف اشرف شد و در آن شهر مشغول تحقیق و تدریس گردید. او یکی از بزرگ‌ترین و نامورترین مراجع عصر خویش و یکی از محققان بزرگ در اصول فقه بود. به حدی که او را «احیاگر علم اصول» و نوآور در آن نامیده‌اند.

از وی آثاری متعدد بر جای مانده است که یکی از معروف‌ترین آنها کتاب مشهور تنبیه الأئمه و تنزیه الملة است. این کتاب برای آگاهی مردم از انواع استبداد و خودکامگی پادشاهان به رشته تحریر درآمده و نظام مشروطه را از نظر مذهب شیعه بررسی کرده است. بنابراین، او یکی از رهبران فکری نهضت مشروطه، و به تعبیری، نظریه پرداز آن به شمار می‌رود.

با تلاش‌های پیگیر و مجاهدت‌های فراوان آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری اصل دوم متمم قانون

۱. اعضای کمیسیون عبارت بودند از: سعادلدوله، نماینده اعیان تهران؛ حاج امین‌الضرب، نماینده تجار؛ حاج سیدنصرالله سادات

اخوی، نماینده علما؛ سیدحسن تقی‌زاده، نماینده تبریز؛ مشارالملک و مستشارالدوله (ن.ک: کسروی، همان، ص ۲۲۴).

اساسی تصویب شد که مورد تأیید علمای ایران و مراجع بزرگ نجف قرار گرفت. بنابراین اصل، در هر دوره از مجلس، هیئتی پنج نفره از مجتهدان و فقیهان اسلام که با اقتضاهای زمان آشنا بودند، به عنوان عضو، در مجلس شورای ملی شرکت می‌کردند، تا بر قانون‌هایی که تدوین و تصویب می‌شد، نظارت کنند که خلاف قواعد اسلامی و دستوره‌های شرع نباشد.^۱ در هیچ یک از دوره‌های مجلس شورای ملی به این اصل عمل نشد.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما چرا شیخ فضل‌الله نوری به اجرای این اصل اصرار داشت؟

در فاصله‌ای که متمم قانون اساسی تدوین می‌شد، اختلاف درونی مشروطه‌خواهان از یک سو و مخالفت محمدعلی شاه با نظام مشروطه از سوی دیگر، اوضاع را آشفته و پریشان ساخته بود. تا آنکه سرانجام شیخ فضل‌الله نوری به دلیل اعمال نفوذ غرب‌گرایان در نهضت مشروطه و انحراف آن از مسیر اسلامی و ملی اولیه از صف طرفداران مشروطه جدا شد. او معتقد بود که باید «مشروطه مشروعه» ایجاد شود.

خودداری محمدعلی شاه از امضای متمم قانون اساسی

بی‌اعتنائی بعدی محمدعلی شاه نسبت به نظام مشروطه در هنگام امضای متمم قانون اساسی مشروطه، رخ داد. هنگامی که متمم قانون اساسی تقدیم او شد، از امضای آن خودداری کرد. این برخورد، مردم را به هیجان آورد؛ بازارها بسته شد، و چندین هزار نفر به سوی مجلس هجوم آوردند. مردم شهرهای دیگر همچون تبریز، اصفهان، شیراز، رشت و کرمان نیز با مردم تهران هم‌صدا شدند. مراجع تقلید، از نجف اشرف، طی تلگراف‌هایی، به نصیحت شاه پرداختند. در چنین شرایطی، شاه، در شهریور سال ۱۲۸۶، به ناچار، متمم قانون اساسی را امضا کرد.

اهداف انگلستان و روسیه برای مداخله در نهضت مردم

روس و انگلیس در مواجهه با نهضت مشروطه، با توجه به منافع استعماری خود، با همدیگر تضاد

۱. ن. ک: ترکمان، مجموعه رسائل و اعلامیه‌ها و مکتوبات شیخ فضل‌الله نوری، ج ۱، ص ۳۷۸.

داشتند. روسیه به چند دلیل با نهضت مشروطه ایران مخالفت می کرد :

۱. جلوگیری از نفوذ انگلیس که در لباس مشروطه خواهی، از مشروطه طلبان حمایت می کرد.
۲. کمک به محمدعلی شاه که طرفدار روس بود.
۳. پیشگیری از قیام ملت های منطقه قفقاز برای گرفتن آزادی، تحت تأثیر پیروزی مشروطه خواهان در ایران

انگلیس هم برای حمایت از مشروطه، دلایلی داشت :

۱. افزایش اعتبار خود در ایران، برای دستیابی به موقعیتی بهتر یا برابر با روسیه؛
 ۲. به قدرت رساندن مهره های انگلیسی در دستگاه حاکم و مجلس؛
- کمک های بی دریغ انگلیس به بست نشینان در سفارت این کشور در تهران، و تحت حمایت قرار دادن نزدیک به چهارده هزار نفر در سفارت، به همین دلیل صورت گرفت؛^۱
۳. محافظت از مرزهای هندوستان و سایر مستعمرات انگلستان در منطقه.^۲

قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس

با وجود رقابت های شدیدی که میان روس و انگلیس در ایران وجود داشت، موضوع جدیدی آن ها را وادار به رفع اختلاف ها و توافق در مورد ایران کرد. این موضوع جدید حضور آلمان به عنوان یک قدرت جدید در صحنه سیاست جهان بود. با در خطر قرار گرفتن مستعمره های روس و انگلیس در جاهای دیگر دنیا، توسط استعمارگر جدید یعنی آلمان، آن ها اختلاف ها را کنار گذاشتند و به موجب قرارداد ۱۹۰۷، ایران را بین خود تقسیم کردند.^۳ بر اساس این قرار داد روس و انگلیس، با پادرمیانی فرانسه که از قدرت روزافزون آلمان بیمناک بود، ایران را به سه منطقه تقسیم کردند : منطقه شمال، از خط فرضی بین قصر شیرین، اصفهان، یزد، خواف و مرز افغانستان، حوزه نفوذ روسیه شناخته شد. منطقه جنوب، از خط فرضی بین بندرعباس، کرمان، بیرجند، زابل و سرحداتی

۱. ن. ک. : معاصر، تاریخ استقرار مشروطیت در ایران، ج ۱، صص ۹۰-۹۹؛ شریف کاشانی، واقعات/تفاهیه در روزگار، ص ۸۲؛

ملک زاده، همان، ج ۱-۳ در یک مجلد، کتاب دوم، صص ۳۶۹ و ۳۷۰.

۲. زینوف، انقلاب مشروطیت ایران، ص ۵۸؛ همچنین ن. ک. : کرمانی، تاریخ انحلال مجلس، ص ۲۵.

۳. قبل از آن، فرانسه و انگلستان برای جلوگیری از نفوذ آلمان، در آفریقا به تفاهم رسیده و اختلاف های خود را در شمال این قاره حل کرده بودند. بنابراین در آسیا هم با پادرمیانی فرانسه، دولت های انگلیس و روس، این قرارداد را امضا کردند که شامل سه توافق نامه بود : در توافق نامه اول، افغانستان در منطقه نفوذ انگلستان قرار گرفت. طبق قرارداد دوم، تبت جزء منطقه نفوذ روسیه شناخته شد. بر اساس قرارداد سوم، ایران تقسیم شد (برای کسب اطلاع بیشتر ن. ک. به : کاظم زاده، روس و انگلیس در ایران، فصل هفتم).



نقشه تقسیم ایران براساس قرارداد ۱۹۰۷

افغانستان که دارای ارزش حیاتی برای دفاع از هند بود، قلمرو نفوذ انگلستان مقرر گردید. قسمت سوم که شامل کویرها و بیابان‌های بی‌آب و علف بود، منطقه بی طرف و متعلق به ایران شناخته شد. منظور از این کار هم آن بود که دو دولت تا حدودی از یکدیگر فاصله بگیرند و از برخوردهای احتمالی بین آنها، جلوگیری شود.

اقدام انقلابی مردم و مجلس

پس از اینکه قرارداد ۱۹۰۷ امضا شد، سفیران روس و انگلیس، رسماً دولت ایران را از آن قرار داد با خبر کردند. به محض اطلاع مردم، هیجان عمومی علیه این دولت‌ها شکل گرفت و نمایندگان مجلس، به اتفاق آراء، قرارداد را رد کردند. مجلس، قبل از آن نیز دریافت وام از دولت‌های خارجی را

رد و برای حلّ این مشکل، به تأسیس «بانک ملی» اقدام کرده بود. به علاوه، نوز بلژیکی را که پست مهمّ مالی ایران در دست او بود، اخراج کرده بود. این اقدام‌های انقلابی، برای دولت‌های استعمارگر، زنگ خطر بود؛ زیرا در جهت خلاف هدف‌های استعماری آنان جریان داشت. به همین دلیل، برای سرکوب مجلس، به توافق رسیدند و هنگامی که محمدعلی شاه ساختمان مجلس را به توپ بست، روسیه از آن حمایت کرد و انگلیس نیز با سکوت خود، به آن رضایت داد.

به توپ بستن مجلس و استبداد صغیر

کشمکش بین محمدعلی شاه و مجلس، پس از امضای متمّم قانون اساسی همچنان ادامه یافت. محمدعلی شاه برای مبارزه با مشروطه خواهان، میرزا علی اصغرخان امین‌السلطان را که از مخالفان جدّی مشروطه بود و در اروپا به سر می‌برد، به کشور دعوت کرد، تارباست دولت را به او بسپارد و به کمک وی، دوباره نظام استبدادی را حاکم سازد. امین‌السلطان، با تدبیرهای امنیتی و حمایت روس‌ها، وارد ایران و به عنوان نخست وزیر منصوب شد.^۱

او که در دورهٔ نخست وزیری خود، سیاستی دوگانه در پیش گرفته بود، سرانجام توسط یکی از طرفداران مشروطه ترور شد. چندی بعد محمدعلی شاه در یکی از خیابان‌های تهران مورد سوء قصد قرار گرفت، ولی آسیبی ندید^۲ شاه، این اقدام را به مشروطه خواهان نسبت داد و به همین بهانه، تصمیم گرفت مجلس را برای همیشه تعطیل کند. بنابراین، در تیر ۱۲۸۷، یعنی دو سال پس از استقرار مشروطه، محمد علی شاه با تشویق سفارت روسیه دستور حمله به مجلس شورای ملی را صادر کرد. لیاخوف روسی فرماندهٔ نیروهای قزاق به فرمان محمدعلی شاه با نیروهای خود به مجلس حمله کرد و بخشی از ساختمان مجلس را با گلوله‌های توپ تخریب کرد.^۳ به دنبال آن، تمام خانه‌های مشروطه خواهان غارت شد و مأموران به دستگیری آنان پرداختند. آیت‌الله سیدمحمد طباطبایی و سیدعبدالله بهبهانی، توسط قزاق‌ها دستگیر، شکنجه و تبعید شدند. به دستور شاه، میرزا جهانگیر خان صوراسرافیل،

۱. هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران، ص ۳۳۱.

۲. ن. ک: روزنامهٔ جبل‌المتین، مورخ ۲۷ محرم ۱۳۲۶، شماره ۲۴، ص ۳، اعظام قدسی، همان، ج ۱، صص ۲۳۱-۲۳۶؛ ملک‌زاده، همان، ج ۱-۳ در یک مجلد، کتاب سوم، ص ۶۲۲؛ کسروی، همان، ج ۱، صص ۵۴۲ و ۵۴۳؛ رضا زاده ملک، حیدرخان عمواوغلی، صص ۱۲۰-۱۲۲.

۳. راجع به همکاری روسیه با محمدعلی شاه، ن. ک: معاصر، همان، ج ۲، صص ۶۸۲-۶۸۹؛ ماموتوف، مبارزان مجلس شورای ملی، حکومت تزار و محمدعلی شاه خاطرات ن. ب. ماموتوف؛ ص ۱۵۱-۱۵۴؛ اعظام قدسی، همان، ج ۱، صص ۲۴۰-۲۴۳؛ کاظم‌زاده، همان، صص ۵۰۱-۵۰۳؛ کسروی، همان، صص ۶۳۱-۶۴۰.



ساختمان مجلس شورای ملی پس از به توپ بستن توسط
لیاخوف در ایام مشروطیت

ملک‌المتکلمین و سید جمال‌الدین واعظ اعدام شدند. بعضی از نمایندگان نیز که مورد تعقیب قرار گرفته بودند (از جمله تقی‌زاده)، به سفارت انگلیس پناه بردند.^۱ بدین گونه، دوباره، برای مدتی، استبداد حاکم شد. این دوره که یک سال به طول انجامید بار دیگر استبداد به جای مشروطیت حاکم شد. از این رو آن را دوره استبداد صغیر نامیده‌اند.

مقاومت مردم

پس از به توپ بستن مجلس، جمعی از غرب‌گرایان که داعیه مشروطه‌خواهی و وطن‌دوستی داشتند، از هر طریق ممکن، خود را به اروپا رساندند و در شهرهای پاریس، لندن، استانبول و کشور سوئیس، محفل‌هایی سیاسی به راه انداختند، اما مردم و علما، در داخل کشور به مقاومت پرداختند. مقاومت اصلی از تبریز آغاز شد و دو تن از مجاهدان نام‌آور آن خطبه به نام‌های ستارخان و باقرخان، بیش از نُه ماه در برابر دشمنان مشروطه مقاومت کردند. آنچه آنان را در هدف‌هایشان پابرجا نگاه می‌داشت، حمایت مراجع تقلید مقیم نجف از مشروطه بود. آیت‌الله محمدکاظم خراسانی، آیت‌الله سیدعبدالله مازندرانی و آیت‌الله حاج میرزا حسین فرزند میرزاخلیل تهرانی، از مشروطه‌خواهان در برابر حکومت استبدادی محمدعلی شاه حمایت می‌کردند.^۲

با مقاومت مردم تبریز و ایستادگی رهبران دینی و ملی، مردم فارس، اصفهان، قزوین، کرمانشاه، گیلان، همدان و برخی دیگر از شهرها، وارد صحنه مبارزه شدند و حکومت استبدادی را سخت در

۱. ناظم‌الاسلام کرمانی، همان، ج ۴، صص ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۷، ۱۹۴، ۲۳۱.

۲. ناظم‌الاسلام کرمانی، همان، ج ۵، صص ۳۴۴، ۳۵۰-۳۵۳؛ ملک‌زاده، همان، ج ۴-۵ در یک مجلد، کتاب پنجم، صص

تنگنا گذاشتند. محمدعلی شاه که در برابر مقاومت مردم تبریز در مانده بود، با فراگیر شدن خیزش، ناتوان تر شد. سرانجام نیروهای مردمی هوادار مشروطه از اصفهان و بختیاری و گیلان، راهی تهران شدند. سیاست روس و انگلیس در این زمان، مبتنی بر حفظ محمدعلی شاه بود.^۱ سرانجام در تیر سال ۱۲۸۸ هواداران مشروطه به تهران رسیدند و با پناهنده شدن محمدعلی شاه به سفارت روسیه، حکومت استبدادی او به پایان رسید.^۲

بیشتر بدانید

نقش زنان در انقلاب مشروطیت

زنان ایرانی در بسیاری از نهضت‌های تاریخ معاصر ایران در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی نقش ارزنده‌ای ایفا نمودند. علاوه بر نقش تاریخی زنان در نهضت تحریم تنباکو در نهضت مشروطه نیز، زنان به کارهای خردمندانه‌ای دست زدند. اکثر فعالیت‌های آنان برگرفته از هویت ایرانی اسلامی بوده است. به عنوان نمونه در جریان مهاجرت صغری، زنان با شرکت در تظاهرات خیابانی خواهان بازگشت علما شدند. پس از صدور فرمان مشروطه زنان به مجلس رفتند و خواستار تکمیل قانون اساسی توسط نمایندگان شدند. زنان به هنگام تأسیس بانک ملی با اهدای طلا و زیورآلات شخصی خود بخشی از سرمایه بانک ملی را تهیه کردند و پس اندازهای خود را در اختیار دولت گذاشتند تا این امر ملی به دور از دست خارجی‌ان و استقراض از آنها انجام شود.

زمانی که مشروطه خواهان تصمیم گرفتند با تحریم کالاهای وارداتی و استفاده از کالاهای داخلی مشکلات اقتصادی جامعه را حل کنند، زنان ایرانی برای تقویت اقتصاد و حمایت از صنایع داخلی، و کالاهای بومی و عدم خرید کالاهای وارداتی، نقش داشتند. در هنگام محاصره تبریز توسط نیروهای جرأت یافتند که جسد مجاهدین و مبارزان را از زمین بردارند. در هنگام محاصره تبریز توسط نیروهای دولتی، زنان در پشت جبهه خدمات متعددی از جمله تهیه غذا و لباس برای مجاهدان، پرکردن بوکه‌های خالی فشنگ و پرستاری از مجروحان را به عهده داشتند. آنان همچنان با فروش زیورآلات قیمتی و دارایی‌های شخصی خود، بخشی از هزینه‌های مبارزاتی و تبلیغاتی را تأمین می‌کردند.^۳

۱. ناظم الاسلام کرمانی، همان، ج ۵، صص ۴۰۴، ۴۰۶ و ۴۶۰؛ ملک‌زاده، همان، ج ۶ و ۷ در یک مجلد، کتاب ششم، صص

۱۱۷۲، ۱۱۷۳ و ۱۱۸۱.

۲. ناظم الاسلام کرمانی، همان، ج ۵، ص ۴۹۴؛ ملک‌زاده، همان، ج ۶ و ۷ در یک مجلد، کتاب ششم، صص ۱۲۳۲ و ۱۲۳۳؛

مدنی، همان، ج ۲، صص ۱۹۵-۱۹۸.

۳. جهت اطلاع بیشتر ن. ک: شوستر، *اختناق ایران*، صص ۲۳۶-۲۴۲؛ محیط طباطبایی، *تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران*، صص

۱۷۲ و ۱۷۳؛ فوران، *مقاومت شکننده*، صص ۲۰۴ و ۲۰۵.

پرسش‌های نمونه

۱. دو مورد از بی‌اعتنایی‌های محمدعلی شاه نسبت به نظام مشروطه و نمایندگان مجلس شورای ملی را ذکر کنید.
۲. اصل دوم متمم قانون اساسی درباره چه موضوعی بود؟
۳. دولت روسیه به چه دلایلی با انقلاب مشروطه ایران مخالفت می‌کرد؟
۴. روسیه و انگلستان براساس قرارداد ۱۹۰۷ چرا و چگونه ایران را میان خود تقسیم کردند؟
۵. نمایندگان اولین دوره مجلس شورای ملی در قبال سیاست‌های استعماری روس و انگلیس چه تصمیماتی گرفتند؟

اندیشه و جست و جو

۱. درباره زندگی و مبارزات مشروطه‌خواهی ستارخان و یا باقرخان مطلبی تهیه کنید.
۲. درباره جریان فتح تهران توسط مجاهدان هوادار مشروطه، گزارشی تهیه کنید.

دوره دوم مشروطه (۱۲۸۸-۱۲۹۳ ش)

در این درس با اوضاع کشور پس از سقوط و فرار محمدعلی شاه و تسخیر تهران و به شهادت رسیدن آیت الله شیخ فضل الله نوری و نیز ادامه مداخله های روسیه و انگلیس برای تداوم سلطه بر ایران آشنا خواهید شد.

دوره دوم مشروطه یکی از برهه های مهم تاریخ معاصر ایران است. این دوره با فتح تهران به دست مشروطه خواهان آغاز شد و دارای دو ویژگی بارز بود:

۱. اختلاف های شدید بین طرفداران مشروطه
۲. مداخله های آشکار و سلطه گرانه روس و انگلیس در سرنوشت ایران



قدرت گرفتن جریان جدید در انقلاب مشروطه و اختلاف های داخلی

پس از فتح تهران مجلسی فوق العاده، مرکب از سران و رؤسای مجاهدان، شاهزادگان، اعیان و وکلای سابق مجلس شورای ملی، تشکیل شد و به اتفاق آرا، محمدعلی شاه از سلطنت خلع، و پسر دوازده ساله او، احمد میرزای ولیعهد، به مقام سلطنت برگزیده شد. چون احمد شاه به سن قانونی سلطنت نرسیده بود، شاهزاده عضدالملک، بزرگ خاندان قاجار، به عنوان «نایب السلطنه» انتخاب شد.^۱

احمد شاه

۱. ناظم الاسلام کرمانی، همان، ج ۵، صص ۴۹۴-۴۹۷.

بیشتر بدانید

ملک زاده - یکی از تاریخ نویسان آن عصر (فرزند ملک المتکلمین) - نوشته است: «هرگاه فرصت اجازه می داد که اسامی پانصد نفر اعضای مجلس عالی را از نظر خوانندگان بگذرانم، مشاهده می شد که عده زیادی از کرسی نشینان باغ شاه و مشاورین و همدرستان محمدعلی شاه که دستشان آغشته به خون آزادی خواهان بود، لباس مشروطه خواهی در بر کرده و در صدر مجلس عالی جای گرفته بودند و سهیم و شریک در زمامداری حکومت ملی بودند و هنوز بیست و چهار ساعت از فتح تهران نگذشته بود که کسانی که باید به دار آویخته می شدند، دوش به دوش نایب السلطنه و سرداران ملی، به رتق و فتق امور پرداختند»^۱.

پس از آنکه دولت جدید تشکیل شد و جمعی از مستبدان و مرتجعان به وزارت و حکمرانی و سایر مقام های دولتی رسیدند، آتش خشم مشروطه خواهان تبریز شعله ور و ناخرسندی آنان علنی شد. افرادی نظیر ستارخان و باقرخان و جمعی دیگر از طرفداران مشروطه که برای نهضت فداکاری و مجاهدت کرده بودند، چون ملاحظه کردند که مستبدان دوره استبداد و دشمنان دیروز مشروطه، دوباره زمامدار مملکت شدند، بسیار ناخشنود و معترض بودند.

آنان همچنین خواستار اخراج افراد تندرو و افراطی نظیر تقی زاده از مجلس بودند.^۲

شهادت شیخ فضل الله نوری

با پیروزی مشروطه خواهان، انتظار می رفت دشمنان واقعی نهضت، مجازات شوند و کیفر ببینند اما آنان که دستشان به خون آزادی خواهان آغشته بود، رها شدند و محمدعلی شاه نیز، با حمایت روس و انگلیس، بدون محاکمه و حتی با پرداخت حقوق سالیانه راهی بندر اُدسا در روسیه شد. آنگاه - همان گونه که اشاره شد - دشمنان نهضت، در صف اول آن قرار گرفتند و در زمامداری و حکومت، شریک شدند. تنها کسی که به پای میز محاکمه رفت و اعدام شد، شیخ فضل الله نوری، مجتهد طراز اول تهران بود که به دفاع از «مشروطه مشروعه» و قانون اساسی بر پایه ارزش های اسلامی، با مشروطه اقتباس شده از غرب، مخالفت کرده بود.

در این هنگام، سفارت روسیه از ایشان خواست که به آنجا پناهنده شود، یا چند نفر سرباز روسی به منزلش بروند و او را در پناه خود بگیرند. شیخ فضل الله نوری هیچ یک از اینها را نپذیرفت

۱. ن. ک: ملک زاده، همان، ج ۶ و ۷ در یک مجلد، کتاب ششم، ص ۱۲۴۸.

۲. کسروی، تاریخ هیجده ساله آذربایجان، صص ۱۳۱ و ۱۳۲.

و گفت: «در مقابل مشیت و اراده الهی، تسلیم صرف است»^۱. همچنین، در پاسخ برخی از کسانی که به او پیشنهاد می کردند که به بیگانه پناهنده شود، اظهار داشت: «من راضی هستم که صد مرتبه زنده شوم و کشته شوم اما پناهنده به اجنبی نشوم و برخلاف امر شارع مقدس اسلام رفتاری نکرده باشم»^۲.

پیرم خان ارمنی که پس از پیروزی مشروطه خواهان، با فرصت طلبی مدارج ترقی را به سرعت طی کرده بود، مأمور دستگیری شیخ فضل الله نوری شد. این عالم روحانی پس از یک محاکمه فرمایشی، به شهادت رسید.

به نظر بسیاری از مورخان شهادت شیخ فضل الله نوری، یکی از فجیع ترین اعمال مشروطه خواهان بود. عده ای اعدام او را انتقام استعمار از روحانیت ایران برای جبران شکست در نهضت تحریم تنباکو و پیشگیری از تکرار مقاومت های مشابه آن می دانند.^۳

برگی از تاریخ

شهید شیخ فضل الله نوری (۱۲۲۲-۱۲۸۸ ش)



حاج شیخ فضل الله کجوری، معروف به نوری، فرزند ملاءعباس، در سال ۱۲۲۲ ش متولد شد. او پس از تحصیلات مقدماتی، برای تکمیل آن به عراق رفت و در زمره شاگردان برجسته میرزا محمدحسن شیرازی قرار گرفت. وقتی به تهران برگشت، مقام علمی و فقهی او در مقایسه با علمای هم عصر خود در ایران، بالاترین بود. او با جدایی دین از سیاست که در آن ایام تحت تأثیر افکار غربی و توسط عوامل استعمار در ایران تبلیغ می شد، شدیداً مخالف و رزید. در جریان نهضت تنباکو به عنوان نماینده میرزای شیرازی عمل می کرد و به حمایت جدی

۱. دانشور علوی، تاریخ انقلاب مشروطه و جنبش وطن پرستان بختیاری، ص ۱۷۸.

۲. انصاری، شیخ فضل الله نوری و مشروطیت، ص ۳۵.

۳. طبری، جامعه ایران در دوران رضاشاه، ص ۱۰۶؛ صفایی، رهبران مشروطه، دوره اول؛ ص ۵۴۲؛ اعظام قدسی، همان، ج ۱، ص ۳۲۳؛

بامداد، همان، ج ۲، ص ۱۰۵.

از این نهضت پرداخت. وی در اوایل مشروطه، از پیشگامان این نهضت بود ولی پس از چندی بی‌برد که دست‌هایی پلید، در حال پایمال کردن خون‌های ریخته شده در راه این نهضت و قطع پیوندهای مشروطه با اسلام هستند. بنابراین مخالفت خویش را با مشروطه غیرمشروع اعلام و بر مشروطه مشروع پا فشاری کرد و عاقبت جان بر سر آن گذاشت.

جلال‌آل احمد درباره او گفته است: «من نعلش آن بزرگوار را بر سر دار، همچون پرچی می‌دانم که به علامت استیلاي غرب زدگی، پس از دو‌یست سال کشمکش، بر بام سرای این ملت افراشته شد».^۱

تشدید اختلاف و درگیری میان مشروطه‌خواهان

به دنبال اعدام شیخ فضل‌الله نوری و تشکیل دومین دوره مجلس شورای ملی، اختلاف و درگیری میان مشروطه‌خواهان شدت گرفت. دو حزب «اعتدالیون» و «دمکرات» که اکثریت نمایندگان مجلس را تشکیل می‌دادند، شدیداً با یکدیگر رقابت فکری و سیاسی داشتند.

اعتدالیون مذهب را سدی محکم در برابر ظلم و بی‌عدالتی می‌دانستند و اجرای شریعت را در دستور کار خود قرار داده بودند. سید محمد طباطبایی و سید عبدالله بهبهانی از اعضای سرشناس این حزب بودند.

دمکرات‌ها به رهبری سید حسن تقی‌زاده بر جدایی دین از سیاست تأکید می‌ورزیدند تا مشروطه را از جنبه‌های دینی تهی کنند و نهضت را از آرمان‌های اصیل آن دور سازند.

با شدت گرفتن درگیری‌های سیاسی، به تدریج، جو وحشت و ترور بر جامعه حاکم گردید. نخست سید عبدالله بهبهانی که نقشی مهم در رهبری نهضت مشروطه داشت، توسط دمکرات‌ها ترور شد. تقی‌زاده که متهم به دست داشتن در این ترور بود،^۲ از کشور گریخت و به اروپا رفت.^۳ به فاصله‌ای کوتاه، چند تن از دمکرات‌ها ترور شدند.^۴

۱. آل احمد، غرزدگی، ص ۷۸.

۲. سید عبدالله بهبهانی توسط چهار نفر که به اشاره حیدر عمو اوغلی و سران دموکرات و کمیته دهشت و تقی‌زاده فرستاده شده بودند، به قتل رسید. (صفایی، همان، دوره دوم، صص ۲۵۸ و ۲۵۹) هر چند تقی‌زاده این اتهام را رد کرده است. (تقی‌زاده، خاطرات، ص ۱۴۴) اما به گفته کسروی اگرچه کشندگان به نام شناخته نشدند، ولی بی‌گمان از گروه حیدر عمو اوغلی بودند و این کار را به دستور تقی‌زاده انجام دادند. (کسروی، تاریخ هیجده ساله آذربایجان، ص ۱۳ و ۱۳۱). دولت‌آبادی یکی از علت‌های قتل بهبهانی را دستیاری وی در صدور حکم تکفیر تقی‌زاده توسط علمای نجف خوانده است. (دولت‌آبادی، همان، ج ۳، ص ۱۳۶).

۳. ملک‌زاده، همان، ج ۶ و ۷ در یک مجلد، صص ۱۳۲۳-۱۳۲۷.

۴. برای دریافت اطلاع بیشتر، ن. ک: بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران؛ ج ۲، صص ۱۰-۲۱.

ستارخان سردار ملی

ستارخان از اهالی ارسباران و ساکن تبریز بود. او به همراه باقرخان، سالار ملی، مدافعان مشهور تبریز در مقابل قشون عظیم محمدعلی شاه در دوره استبداد صغیر بودند. ستارخان اول کسی بود که مردم را به مقاومت دعوت کرد و چندین ماه با قوای دولتی درگیر شد و نگذاشت تبریز به دست مستبدان بیفتد. او در اصل از پایین ترین طبقات اجتماعی و دارای خوی عیاری و جوانمردی بود. ستارخان و باقرخان به دعوت تلگرافی آخوند ملامحمد کاظم خراسانی، مرجع تقلید بزرگ شیعیان جهان، در روز چهارم ربیع الثانی ۱۳۲۸ ق به تهران آمدند و مردم پایتخت استقبال گرمی از آنها به عمل آوردند اما در گیرودار اختلاف های حزبی و جناحی در واقعه خلع سلاح گروه ها در ۳۰ رجب سال ۱۳۲۸ ق ستارخان که به اتفاق تفنگچی های همراهش، در پارک اتابک، توسط نیروهای پیرم خان ارمنی، محاصره شده بودند، پایش تیر خورد و سرانجام در ۲۸ ذی الحجه سال ۱۳۳۲ ق در اوایل جنگ جهانی اول، دارفانی را وداع گفت.

معروف است که وقتی در جریان مبارزه های تبریز عرصه بر او تنگ شد، کنسول روس پیام داد که پرچم روس را بالای خانه اش نصب کند. او پاسخ داد: «ژنرال کنسول؛ من می خواهم که هفت دولت به زیر بیرق دولت ایران بیایند. من زیر بیرق بیگانه نمی روم.» و این مشابه پاسخی بود که مرحوم شیخ فضل الله به پیام سفارت روس داد.



مجلس نوپای مشروطه و مداخله بیگانگان

طبق تصمیم دوره دوم مجلس شورای ملی، عده ای کارشناس از آمریکا برای اصلاح اداره دارایی و

خزانه‌داری کل، یک فرانسوی برای دادگستری، و چند سوئدی برای ژاندارمری، استخدام شدند.^۱ مورگان شوستر آمریکایی، معروفترین چهره در بین آنان بود که با اختیارهای وسیعی که مجلس به او داد، شروع به انجام اصلاح‌هایی دامنه‌دار در امور مالی و گمرک‌ها کرد. این اقدام او که سبب منظم شدن دستگاه اقتصادی کشور می‌شد، روس و انگلیس را سخت عصبانی کرد. بنابراین، در سال ۱۲۹۰ش روسیه، طی اخطاری به دولت ایران، تهدید کرد که اگر ظرف چهل و هشت ساعت به خواسته‌هایش عمل نشود، به اشغال ایران خواهد پرداخت. درخواست‌های روسیه به این شرح بود:

۱. اقدام‌های مورگان شوستر متوقف و او از ایران اخراج شود.
 ۲. بدون موافقت روس و انگلیس، از استخدام اتباع خارجی در ایران، خودداری شود.
 ۳. هزینه‌نگهداری قوای روسیه در ایران را، دولت ایران پرداخت کند.
- با به پایان رسیدن مهلت ۴۸ ساعته، روسیه، بلافاصله، نیروهای خود را به داخل خاک ایران اعزام کرد.^۲ اخطار روسیه، بحرانی بزرگ در کشور ایجاد کرد. بین مجلس و دولت، بر سر پذیرفتن یا رد کردن آن، اختلاف افتاد. هیجان عمومی و احساسات مردمی، اوج گرفت.
- مجلس اخطار روسیه را رد کرد ولی صمصام‌السلطنه، نخست‌وزیر، از ترس اشغال پایتخت، تسلیم شد و مجلس شورای ملی را منحل کرد. بدین ترتیب سلطه‌جویی دولت‌های روس و انگلستان و دخالت‌های آنها در اداره کشور مانع از آن شد تا مجلس نوپای مشروطه بتواند برای سر و سامان دادن به اوضاع اداری، مالی و نظامی کشور اقدام مؤثری انجام دهد. به دنبال این اقدام، انبوه تظاهرکنندگان مردمی، به خصوص زنان، با شعار «یا مرگ یا استقلال» به مجلس حمله کردند. علمای مذهبی در ایران و عتبات عالیات، طی تلگراف‌هایی، مردم را به مقاومت دعوت کردند.^۳ آیت‌الله آخوند خراسانی، مرجع بزرگ شیعه مقیم عراق، تصمیم گرفت به سوی ایران حرکت کند، تا مردم را برای مقاومت در برابر زورگویی بیگانه، بسیج کند. او همراه جمع انبوهی از عشیره‌های شیعه عراق، آماده عزیمت به ایران شد اما در همان شب قبل از حرکت، به طرزی مشکوک، از دنیا رفت.^۴

۱. در آن زمان آمریکا هنوز خوی سلطه‌جویانه آشکاری را که پس از جنگ دوم جهانی در پیش گرفته نشان نداده بود و دولتمردان ایرانی که به دنبال قدرت سومی بودند تا به اتکای آن در برابر سلطه‌گری روس و انگلیس بایستند، لذا متخصصان این کشورها را ترجیح می‌دادند.

۲. هوشنگ مهدوی، همان، صص ۳۳۹-۳۴۱.

۳. جهادیه، صص ۲۲ و ۴۱-۵۲؛ شوستر، *اقتصاد ایران*، ص ۲۴۱.

۴. نجفی فوجانی، *سیاحت شرق*، صص ۲۸۳-۲۸۵.

آخوند ملامحمد کاظم خراسانی (۱۲۱۸- ۱۲۹۰ ش)



در سال ۱۲۱۸ ش در مشهد متولد شد و در بیست و دو سالگی به تهران مهاجرت کرد. پس از مدتی تحصیل فلسفه، به نجف مشرف شد و دو سال محضر درس شیخ مرتضی انصاری را درک کرد. آخوند خراسانی بیشتر تحصیلاتش نزد میرزای شیرازی بود، اما خود نیز مستقلاً در نجف حوزه درس تشکیل می داد، و گفته می شود ۱۲۰۰ شاگرد از محضرش استفاده می کردند. شهرت اصلی او در علم اصول است. کتاب کفایة الاصول که مرجع درسی مهم حوزه های علمی به شمار می رود، توسط وی نگاشته شده است. در اثنای

نهیض مشروطه، آخوند خراسانی به حمایت معنوی از آن پرداخت و با صدور فتوا در ضرورت مشروطیت، باعث استحکام آن شد. او که در آن زمان مرجع تقلید عام شیعیان جهان بود، زمانی که در سال ۱۲۸۹ ش روسیه، شمال ایران را اشغال کرد، با یاران خود و عشایر شیعه عراق، برای جهاد علیه اشغالگران روسی، آماده عزیمت به ایران شد، اما در شب قبل از عزیمت به ایران، به طرزی مشکوک، جان به جان آفرین تسلیم کرد.

روس ها با استفاده از فرصت به دست آمده، کانون های مقاومت تبریز و مشهد را به سختی سرکوب کردند؛ مرقد مطهر امام هشتم (ع) را به توپ بستند؛ از آذربایجان تا خراسان، نیروهای خود را مستقر ساختند و منطقه زیر نفوذشان را طبق قرارداد ۱۹۰۷ اشغال کردند.

در این زمان، انگلیس نیز برای اشغال منطقه زیر نفوذ خود، قوایی از هندوستان وارد جنوب ایران کرد.^۱ سرانجام نیز، در سال ۱۲۹۱ ش/ ۱۹۱۲ م این دو کشور سلطه گر، دولت ایران را مجبور کردند تا سیاست خود را با اصول قرارداد ۱۹۰۷ تطبیق دهد.^۲

۱. سفیری، پابیس جنوب ایران، ص ۳۵.

۲. اتحادیه، احزاب سیاسی در مجلس سوم، صص ۳۶-۴۳.

تاج گذاری احمدشاه

چند روز پس از آنکه احمدشاه قاجار تاجگذاری و مجلس شورای ملی دوره سوم شروع به کار کرد، جنگ جهانی اول درگرفت؛ اما شاه جوان و مجلس جدید نتوانستند ایران را از هجوم بیگانگان در امان نگاه دارند.

جنگ جهانی اول و اعلان بی طرفی

در سال ۱۹۱۴ م/ ۱۲۹۳ ش جنگ جهانی اول میان دولت‌های فرانسه، انگلستان و روسیه در مقابل آلمان و امپراتوری اتریش- مجارستان آغاز شد. ایران از نظر سیاسی و اقتصادی کشوری بحران زده و در اشغال نیروهای بیگانه بود و توان بهره‌برداری از شرایط جنگ را نداشت. رئیس‌الوزرای ایران یعنی مستوفی‌الممالک اعلان سیاست بی طرفی کرد ولی در این کار موفقیتی به دست نیاورد؛ زیرا موقعیت حساس ایران برای نیروهای درگیر جنگ مهم بود.^۱

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما چرا دولت‌های روسیه و انگلیس به بی طرفی ایران در جنگ جهانی اول توجه نکردند؟

برگی از تاریخ

آیت‌الله سیدعبدالحسین لاری (۱۹ دی ۱۲۲۶ ش نجف - ۱۵ اردیبهشت ۱۳۰۳ ش جهرم) خانواده آیت‌الله عبداللّه عبدالحسین لاری از علما و روحانیون دزفولی الاصل ساکن نجف اشرف بودند. آیت‌الله لاری، فقیه و سیاستمدار و از شاگردان میرزای شیرازی بود که در ۲۲ سالگی به درجه اجتهاد نایل آمد و یکی از بزرگ‌ترین استادان حوزه علمیه نجف شد. بنا به درخواست مردم لارستان و موافقت میرزای شیرازی در سال ۱۲۷۰ ش به لار آمد و به تدریس و انجام وظایف دینی مشغول شد. وی مدرسه و حوزه علمیه‌ای تأسیس کرد که توانست شاگردان نامداری را برای گسترش بیداری اسلامی تربیت کند. وی همچنین گروه‌هایی مسلح تربیت کرد که بعدها به تفنگچیان سید لاری و چریک‌های فارس مشهور شدند. وی فرمان اخراج مبلغان مسیحی و جمع‌آوری کتب ضاله را از آن منطقه صادر کرد. این اقدام وی خشم انگلیسی‌ها را برانگیخت. وی پس از این ماجرا

۱. فن میگوشت، واسموس، صص ۱۶۱-۱۸۳.

طی فتوایی وجوب انحلال رژیم سلطنتی قاجار را صادر کرد. آیت‌الله لاری موفق شد یک حکومت اسلامی در لارستان تأسیس کند. پس از چندی بندرعباس، بندرلنگه، بوشهر، استان کرمان و فارس زیر نظر حکومت اسلامی قرار گرفت. او در گام بعدی استفاده از کالاهای خارجی – به خصوص انگلیسی و روسی – را از آنجا که موجب تقویت دشمنان اسلام و افزایش قدرت استعمارگران می‌شد و وابستگی اقتصادی فراهم می‌کرد، تحریم کرد. وی از علمای مبارز دوره مشروطه و الگوی مورد نظر وی مشروطه مشروعه بود. از ایشان ۴۰ اثر بر جا مانده است که یکی از آنها «قانون مشروطه مشروعه» است.

از اواسط سال ۱۲۹۴ ش روس و انگلیس (متفقین) بر آلمان و عثمانی (متحدین) در این منطقه چیره شدند و انگلیس با جلب موافقت روسیه، عبدالحسین میرزا فرمانفرما را که به طرفداری انگلیس شهرت داشت، به عنوان رئیس‌الوزرای ایران بر سر کار آورد و از این پس دولت ایران در برابر خواسته‌های ننگین و سلطه‌گرانه روس و انگلیس تسلیم شد. چون دولت عثمانی همسایه غربی ایران به متحدین پیوست، اهمیت کشور ما برای متفقین دو چندان شد. به همین دلیل انگلستان و روسیه قرارداد ستری ۱۹۱۵ م را با هم امضا کردند. طبق این قرارداد دو منطقه نفوذ در عهدنامه ۱۹۰۷، به منطقه اشغالی تبدیل شدند. روسیه منطقه تحت نفوذ خود را اشغال کرد و در مقابل، دولت انگلستان نیز در سال ۱۹۱۶ م به تأسیس پلیس جنوب دست زد. فرماندهی پلیس جنوب به عهده سیر پرسی سایکس^۱ بود. او با استفاده از این قوای نظامی توانست، مقاومت دلیرانه رئیس‌علی دلواری و عشایر تنگستانی را سرکوب کند.^۲

بیشتر بدانید

امام و اشعار بهار

دفترچه شعری که از دوران نوجوانی امام خمینی برجای مانده است، نمایانگر آشنایی وی با مسائل سیاسی و اجتماعی جامعه خود می‌باشد. اشعار این دفترچه حاوی سروده‌های شعرای مشهور آن زمان است. در بخشی از این دفترچه شعر که به خط امام در سنین ۹-۱۰ سالگی نوشته شده است، سروده‌ای از محمدتقی بهار، ملک الشعرا، به چشم می‌خورد که به حادثه اشغال قسمت‌هایی از مناطق شمالی و جنوبی ایران به وسیله انگلیس و روسیه و تشویق ایرانیان به قیام علیه بیگانه و دفع تجاوز پرداخته

1. Sir Percy Sykes

۲. ن. ک: سپهر، ایران در جنگ بزرگ، صص ۷۳-۸۶.

است. بخشی از این سروده چنین است:
های ای ایرانیان، ایران اندریلاست
ملک داریوش، دستخوش نیکلاست
مرکز ملک کیان در دهن ازدهاست
غیرت اسلام کو، جنبش ملی کجاست
برادران رشید، برادریتان چه شد؟
به عرصه رزمگاه دلاوریتان چه شد؟
خضم به ما خیره گشت، خیره سریتان چه شد؟
به دشمن کینه جوی، کینه گزیتان چه شد؟^۱

در این دوران، دولت را به ظاهر شاه و مجلس تعیین می کردند، ولی در نهران توافق سفارت های روس و انگلیس شرط اصلی انتخاب نخست وزیر بود. در اکتبر ۱۹۱۷ م/ ۱۲۹۶ ش حکومت تزاری روسیه در مقابل انقلاب بلشویکی شکست خورد و روس ها خروج سربازان خود از ایران را آغاز کردند؛ بنابراین انگلیس یکه تاز میدان سیاست ایران شد.

بدون تردید نهضت عدالت خواهی و مشروطه طلبی از نقاط عطف تاریخ اجتماعی - سیاسی ایران است که آثار ماندگاری از خود برجای گذاشت. این نهضت نتیجه تجربیات طولانی مردم ایران در حفظ استقلال و سربلندی این کشور کهن بود. البته به دلیل مداخله های بیگانگان و عوامل وابسته به آنها انحرافات در این نهضت به وجود آمد. نتیجه این انحرافات ظهور دیکتاتوری رضاخان و سلسله وابسته پهلوی در ایران بود. در درس های بعد با دخالت های انگلستان در ایران و قدرت یافتن رضاخان آشنا خواهید شد.^۲

۱. ن. ک: ملک الشعراى بهار، دیوان شعر، ج ۱، صص ۲۷۱ و ۲۷۲.

۲. به دلیل عمق ریشه نهضت دینی - ملی مشروطیت در بین ملت، بلافاصله پس از سقوط رضاشاه، شاهد رویش مجدد حکومت های نسبتاً مستقل تر و نزدیک تر به روح مشروطه در تاریخ دوازده ساله ۱۳۲۰-۱۳۳۲ ش و ملی شدن صنعت نفت و تشکیل حکومت ملی در کشور بودیم. بدون تردید جمهوری اسلامی ایران نیز شکل تکامل یافته حکومتی است که از ابتدا مورد نظر پیشکوتان و بزرگان نهضت مشروطیت نظیر آخوند ملاکظم خراسانی، محمدحسین نائینی، شیخ فضل الله نوری، سیدمحمد طباطبایی و سیدعبدالله بهبهانی و سید حسن مدرس بوده است.

رئیس علی دلواری (۱۲۶۱ - ۱۲۹۴ ش)



رئیس علی، فرزند زایر محمد، در سال ۱۲۶۱ ش دیده به جهان گشود. در تیراندازی و سوارکاری که لازمه زندگی دشوار آن روزگار بود، از خود استعدادی شگرف نشان داد. او به مراسم و واجب‌های دینی مقید بود و هیچ‌گاه در گرفتن روزه و به پا داشتن نماز، غفلت نمی‌کرد. رئیس علی این روحیه را با عشق به مردم درهم آمیخت و از همان نوجوانی و جوانی، به مسائل کشور، توجهی خاص نشان می‌داد.

فعالیت‌های سیاسی را از دوره مشروطه آغاز کرد. او با پیروی از آیت‌الله سید مرتضی علم‌الهدی اهرمی، در دوره استبداد صغیر، قیام کرد و با همراهی دیگر مبارزان، بوشهر را به تصرف درآورد. با آغاز جنگ جهانی اول و حضور نیروهای انگلیسی در بوشهر مردانه قد برافراشت تا آنکه به یک قیام عمومی دست یافت. حمله او در مرداد ۱۲۹۳ در بوشهر و غلبه بر دشمنان، ابهت انگلیس در ایران را درهم شکست و نام رئیس علی در هر کوی و برزن بر سر زبان‌ها افتاد، اما در یکی از حمله‌های بی‌امان خود به دشمن، توسط عوامل داخلی بیگانگان مورد حمله قرار گرفت و به شهادت رسید. جنازه رئیس علی توسط مادرش به نجف اشرف منتقل و در منطقه وادی السلام به خاک سپرده شد.

شعر زیر که بر سر در خانه او حک شده است، نشانگر عشق او به امام علی (ع) است :

ز تیغ شیر خدا چون رواج شرع نبی شد از این سبب به همه مسلمین، رئیس علی شد

پرسش‌های نمونه

۱. احمد شاه چگونه به سلطنت رسید؟
۲. سه نمونه از دخالت‌های روس و انگلیس در امور داخلی ایران را در دوره دوم مشروطه بنویسید.
۳. دولت روسیه در اخطاری که در سال ۱۲۹۰ ش به ایران داد، چه درخواست‌هایی مطرح کرد؟
۴. چرا نیروهای بیگانه در جنگ جهانی اول علیرغم اعلام سیاست بی طرف ایران، کشور ما را اشغال کردند؟
۵. پیامد قرارداد ۱۹۱۵ م چه بود؟

اندیشه و جست و جو

۱. در زمینه مقاومت‌های مردمی در جنوب ایران در مقابل نیروهای انگلیسی در جنگ جهانی اول گزارشی تهیه کنید.
۲. در مورد دولت موقت ملی (دولت مهاجرین) که در زمان جنگ جهانی اول در کرمانشاه تشکیل شد، مطلبی تهیه کنید.